

رابطه‌ها:

## مادرها و دخترها



همان گونه که می‌دانیم نقش مادر در تربیت فرزندان، اهمیت و حساسیت ویژه‌ای دارد و در رقم خوردن سرنوشت فرزندان بسیار تعیین کننده است. وجود مادر، گرمی‌بخش کانون خانواده و روشنگر راه زندگی سعادت‌مندانة اعضای آن است. آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد، تحلیل چگونگی رابطه مادران و دختران است که از ویژگی‌ها و ظرافت‌های خاصی برخوردار می‌باشد.

دکتر غلامعلی افروز

والاترین و با معناترین گل‌واژه‌ها را در گنجینه کلمات بیابیم تا بتوانیم تجلی اوج محبت و عشق و فداکاری و ایثار را بر عریضه حال ترسیم نماییم و در روایت رابطه خاص مادرها و دخترها فراتر رفته، همه صمیمیت‌ها، همدلی‌ها

همه ما در توصیف رابطه مادر و فرزند بر این باوریم که باید تلاش کنیم زیباترین،

و همراهی‌ها را نیز در آینه وجودشان بخوانیم .

"مادر" ، این باغبان شکوفه‌های حیات، معناگر همه خوبی‌ها، سرچشمه محبت، اسوه صبوری و ایثار و منبع سخا و احسان ، همیشه دوست می‌دارد در مدار رابطه‌ها، شمع وجودش گرمابخش حیات فرزند و روشنگر صراط او باشد.

"مادر" دوست دارد همه خوبی‌ها، همه شایستگی‌ها، همه زیبایی‌ها و همه کمالات را در وجود فرزندان خویش تجربه نماید.

"مادر" دوست دارد آغوش گرم و پرمهرش مأمن و آرامشگاه همیشه فرزندان باشد.

"مادر" دوست دارد همواره با دلی آرام، سری پرشور و چهره‌ای گشاده، همدم و همراه فرزندان باشد.

"مادر" دوست دارد مشاور و همراه همیشه فرزندان در نوجوانی و بزرگسالی آنان باشد.

"مادر" زمانی می‌تواند گرم‌ترین، مؤثرترین

و متعالی‌ترین رابطه‌ها را با فرزند خود داشته باشد و نیازهای عاطفی و روانی ایشان را به

شایستگی تأمین کند، که خود از سالم‌ترین و شایسته‌ترین رابطه‌ها با همسر خویش برخوردار باشد.

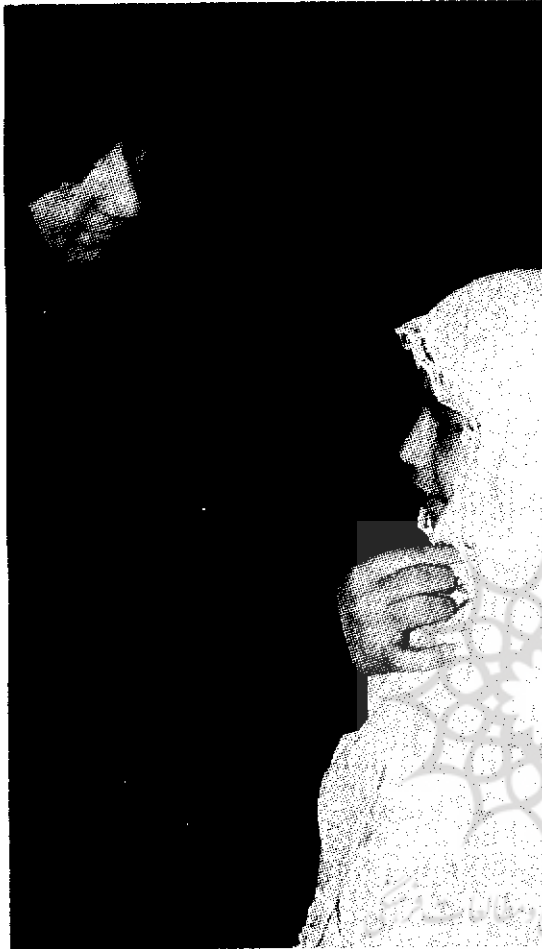
"مادر" زمانی می‌تواند گرمابخش وجود فرزندان و تأمین‌کننده نیازهای روانی آنان باشد

که خود از امنیت خاطر و آرامش روان و نشاط درون در پرتو حسن رابطه با همسر بهره‌مند

باشد.

"مادر" زمانی می‌تواند در حسن ایفای نقش مادری و رسالت پرورشگری موفق باشد که

کانون خانواده‌اش از آفات زبان و آسیب‌های روان، چون: تحقیر، تهدید و توهین، دروغ و



غیبت، تهمت و افترا و پرخاش و پرخاشگری مصون باشد.

"مادرانی" که صمیمی‌ترین و مطلوب‌ترین رابطه‌ها را با فرزندان دارند، آسانی هستند که همسری فهیم و بصیر و مهربان و منطقی دارند و یا فرزندان ایشان از فیض وجود پدر محرومند و مادر نقش پدری را نیز بر عهده دارد.

آن‌گاه که فرزندان از نعمت وجود مادری پر عطف و با محبت و در عین حال منطقی، استوار و پرعصابت در موقعیت‌های مختلف

اعتدال تجاوز کرده، از فرزند خود انتظارات و توقعاتی دارند و یا وی را به طریقی تربیت و هدایت می‌نمایند که هیچ‌گونه تناسبی با ویژگی‌های سنی، بلوغ فکری، نیازهای روانی، ضرورت‌های شرعی و سازش‌یافتگی‌های اجتماعی ندارد.

برجسته‌ترین ویژگی رابطه مادر و دختر در این است که به طور کلی همانندسازی دخترها با مادرها بسیار چشمگیرتر و عمیق‌تر از همانندسازی پسرها با پدرهاست. چرا که دخترها در دوره‌های مختلف رشد، به‌خصوص سنین پیش‌دستانی، در کانون خانواده، که در آن به طور مستقیم و غیرمستقیم، پایدارترین یادگیری‌ها صورت می‌پذیرد، فرصت تقلید و یادگیری از رفتارهای کلامی و غیرکلامی الگوهای همجنس بزرگسال را بیش از پسر بچه‌ها دارند. پدرها اغلب اوقات خارج از خانه هستند و در بیشتر موارد در سنین دبستان نیز این‌گونه است و پسرها کمتر توفیق حشر و نشر با الگوهای مطلوب همجنس را می‌یابند. از این رو رابطه مادر و دختر در گستره پایدار و زیبای پیوند عاطفه‌ها، تکوین باورها و اندیشه‌ها و پدیدآیی رفتارها، قابل درک و تعمق است.

و آن‌گاه که دختر خانمها با تجاربی از رابطه‌های خوشایند و دوست‌داشتنی با مادر، در سن مدرسه، خانه را به قصد دبستان ترک می‌کنند، عموماً در محیط کلاس بیشترین سازش‌یافتگی اجتماعی را از خود نشان می‌دهند، به راحتی با معلم و مربی ارتباط برقرار می‌کنند و بالطبع دامنه توجه و تمرکز و ظرفیت یادگیری ایشان نسبت به همسالانی که از تجارب زیبا و گیرای ارتباط با مادر محروم بوده‌اند، به طور قابل ملاحظه‌ای بیشتر است.

زندگی و در فراز و نشیب‌های حیات بهره‌مند هستند، از بیشترین آرامش روان و بالاترین اعتماد به نفس برخوردار می‌باشند و شهادت، رحلت و فقدان پدر نمی‌تواند تأثیر ناخوشایندی بر فرایند رشد و تحول مطلوب شخصیت آنان داشته باشد. بلکه گاه در این شرایط به لحاظ مسئولیت مضاعفی که مادر احساس می‌نماید، زمینه رشد مطلوب شخصیت فرزندان بهتر فراهم می‌گردد.

به سخن دیگر، نقش مادر، این منبع حیات روان، در تربیت فرزند فوق‌العاده مهم و تعیین کننده است. چنانچه شخصیت رشد یافته و مطلوب و محبوب مادر در دوره‌های گوناگون رشد و تحول کودکان و نوجوانان، همواره آمیزه‌ای از عطوفت و محبت و منطق و استواری باشد، فرزندان، به رغم فقدان پدر، فارغ از تحمل کمترین محرومیت و در کمال سلامت و آرامش روان و پویایی اندیشه، در کانون خانواده پرورش می‌یابند.

اما رابطه مادر با دختر از ویژگیها، ظرافت‌ها و حساسیت‌های خاصی برخوردار است. "مادرها" در صفحه وجود دختران خردسال خویش خاطره‌ها و تجربیات خوشایند و ناخوشایند زندگی گذشته خود را مرور می‌کنند و با همه وجود می‌کوشند که تجارب ناگوار و ناکامی‌های احتمالی را از سر راه دختران خویش بردارند. گاهی برخی از مادران به صورت ناخودآگاه و یا آگاهانه در جبران بعضی از محرومیت‌ها و ناکامی‌های زندگی گذشته خود سعی می‌کنند باورها و رفتارهای قابل توجهی را در شخصیت در حال تحول و تکوین دختران خویش بارور و متبلور سازند، و گاهی در این رهگذر، چه بسا از حد

از آسیب‌پذیری‌های رفتاری و کژروی‌های اجتماعی، از مطلوب‌ترین شرایط تحصیلی برخوردار گردیده، جوانه‌های خلاقیت در شخصیت پویای آنان شکوفا می‌شود.

"مادر"، مهم‌ترین و غنی‌ترین الگوی رفتاری برای دختر است. زمانی که مادری فهیم و مهربان، با رفتار پرجذبه، منطقی و متعالی خود در برقراری رابطه‌ای گیرا و غنی و دوست داشتنی با دختر خویش توفیق می‌یابد، در کنار ایفای رسالت خطیر مادری، پایه‌های دوستی، مروت و صمیمیت را در دوره‌های اولیه رشد فرزند پی می‌ریزد و یکی از فطری‌ترین و ضروری‌ترین نیازهای دوران نوجوانی او را به شایستگی تأمین می‌کند. در واقع در نتیجه وجود این فرهنگ متعالی و نظام تربیتی کارآمد، مادر، به طور غیرمستقیم مسأله مهم همسرپروری و مادرپروری را مدنظر قرار داده است. به کلام دیگر، وقتی که مادر، این الگوی همیشه نیکو برای فرزند، به ویژه دختر، به عنوان مرجعی قابل اطمینان، دوستی قابل

مادرانی که به حسن رابطه معتقد هستند، با زبان تشویق و تأیید و منطق و تکریم با دخترها رفتار می‌کنند و در این رویه همیشه ثابت قدم هستند. آنان مؤثرترین شیوه دوست‌پروری را نیز تجربه می‌نمایند و دختران این مادرها در سنین نوجوانی و آغاز جوانی و هنگامه گذر از دوران کودکی و پیوند با دنیای بزرگسالان و نیاز فراوان به دوستان همدل و همراه، "مادر" را به عنوان دوست و همدم و همراز خود انتخاب می‌کنند.

مادرانی که با حفظ پرجاذبه‌ترین رابطه‌ها و رفتارهای معقول و مملو از صمیمیت، صداقت، شفقت، استواری، صلابت و اعتماد به نفس موفق به جلب اعتماد و اطمینان و پرورش احساس محبت دختران نوجوانشان شده‌اند، در جایگاه محرم‌ترین و شایسته‌ترین دوست برای آنان قرار گرفته‌اند. در سایه چنین رابطه زیبا و ارتباط متقابل، دخترها از بالاترین سطح بهداشت روانی، احساس خودارزشمندی و اعتماد به نفس بهره‌مند می‌شوند و با مصونیت



می‌دانند که همه انسانها، اعم از کوچک و بزرگ، پسرها و دخترها، دوست دارند الگوهای زندگی و بزرگسالان محبوبشان را همیشه در هیأتی مقتدر و با صلابت، گشاده‌رو و پر محبت نظاره نمایند و دخترها نیازمند و دوستدار آندند که مادرشان را همواره پرنشاط و بامحبت، آرام و با صلابت، مطمئن و مصمم، محکم و استوار، با اعتماد به نفس و فعال و پویا ببینند. دخترها هرگز نمی‌خواهند که الگوی محبوبشان تهمی از اعتماد به نفس، مردد و دلواپس، نگران و پراضطراب، منفعل و حقیر باشد.

مادرها خوب می‌دانند و پدرها نیز بر این حقیقت باور دارند که دخترها در برقراری ارتباط مفید، مؤثر و متعالی با مادرانی که بی‌بهره از قوت اراده و ناراضی از وضع موجود هستند و با نگرانی خاطر و دنیایی از احساسات ناخوشایند، دلی غمگین و شخصیتی منفعل و همیشه تسلیم زندگی می‌کنند، بسیار مشکل دارند و گاهی در فرایند همانندسازی دچار تعارض روانی می‌شوند و از اینکه بخواهند در سنین جوانی و بزرگسالی حیات مشابهی را تجربه کنند، همواره دچار نگرانی و اضطراب آزار دهنده‌ای هستند. لذا دختری که می‌خواهد آینده‌ای روشن و امیدبخش داشته باشد و از زندگی فعال و مولد فردی و اجتماعی برخوردار شود، دوست دارد مادر را به مثابه الگوی محبوب و مطلوب خود، همواره در رابطه متقابل و مؤثر با پدر ببیند و هرگز شاهد حالاتی از رابطه غالب و مغلوب، آمر و مأمور و فعال و منفعل میان ایشان نباشد. او می‌خواهد مادری مهربان و مقتدر، فعال و مولد داشته باشد.

مادران صبور و دوراندیش نیک می‌دانند که

اعتماد، همراهی همدل، محرمی همراز و شخصیتی استوار مطرح می‌شود، دختر وی آیین همسرداری و مرام مادری و فرزندپروری را نیز به نیکی می‌آموزد و حریم خانه، کلاس درس زندگی می‌شود.

مادران دلسوز و صبور که در کمال عطف و مهرورزی، شخصیتشان به زیور اندیشه و تفکر و تعقل آراسته است، همگی اذعان دارند که باورها و رفتارهای متعالی مذهبی، همچون نماز، عفاف و حجاب، صداقت و درستی، حلم و شکیبایی و خوش خلقی و گشاده‌رویی تأمین‌کننده آرامش روان و زمینه‌ساز بستر مطلوب شکوفایی شخصیت و رویش خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها و بروز و ظهور جلوه‌هایی از زندگی عاقلانه و خردمندانه است. از این‌رو برای تأمین سلامت روان، پویایی ذهن و رشد معقول و مطلوب فردی و اجتماعی و سعادت دنیوی و اخروی فرزند از هیچ کوششی در جهت پرورش احساس مذهبی و متبلور شدن رفتارهای متعالی مذهبی در شخصیت و وجود آنان دریغ نمی‌ورزند.

رابطه مادران بلنداندیش، وارسته و آزاده با دخترها، در عین صمیمیت و یکدلی آنچنان محترمانه و تکریم‌آمیز است که در این ارتباط نگاهی جز نگاه محبت و کلامی جز کلام حق بین ایشان مبادله نمی‌شود و در جلوه‌های خوش منظر این ارتباط از سخن ناروا، کلام ناحق، زبان پرخاش، تحقیر، غیبت و تهمت، حسادت و احساس عجز و ذلت و یأس و ناامیدی خبری نیست و آنچه در تعامل و جریان است، همه پاک و صفا و صمیمیت و کرامت است.

"مادران" اندیشه‌مند و دلسوز به خوبی

زمانی فرزندان خانواده به شایستگی با والدین خود همانندسازی می‌کنند و پیروی از رهنمودهای ایشان را نصب‌العین قرار می‌دهند که شخصیت آنها برایشان مطلوب و محبوب باشد. از این رو هرگونه تضاد در اندیشه و تناقض در گفته‌ها و اعمال و قهر و ستیز بین پدر و مادر، به یقین از حرمت و قداستی که فرزندان برای آنها قائل هستند می‌کاهد و در نتیجه همدلی، همفکری و همراهی با آنان سست شده، تبعیت‌پذیری به حداقل خود می‌رسد. لذا مادرها در روابط صمیمی خود با دخترشان و در بیان رازها و نیازها و شکوه‌ها و خواستها، نه تنها هرگز شخصیت پدر را مورد انتقاد و تحقیر و تکذیب قرار نمی‌دهند، بلکه همواره با عنایت به این مهم که لازمه‌ی هدایت و حمایت‌پذیری دختر نوجوانشان از پدر، به طور قابل ملاحظه‌ای به میزان مقبولیت و مطلوبیت شخصیت پدر در نظر فرزند بستگی دارد، به طور مستقیم و غیرمستقیم شخصیت پدر را مورد تأیید و تکریم قرار داده، با قدردانی از مسؤولیت‌پذیری و تلاش‌های وی، زبان تشکر و سپاسگزاری را به فرزندان خود می‌آموزند.

شخصیت پدر را در ذهن دختر تضعیف و تحقیر می‌کنند، نه تنها فرزند خود را در تعارض روانی و دغدغه فکری قرار می‌دهند، بلکه غالباً به طور مستقیم و غیرمستقیم زمینه رویش و تکرین نگرش و بازخوردی منفی و ناخوشایند را در وجود دخترها نسبت به جنس مرد فراهم آورده، بسیاری از ایشان را در سنین جوانی و هنگام انتخاب همسر با مشکل مواجه می‌کنند. به بیان دیگر، بدبینی و تردید در تصمیم‌گیری و طولانی شدن فرایند انتخاب و پذیرش شخص واجد شرایط برای همسری و تأخیر در ازدواج به هنگام، می‌تواند از آثار رابطه نه چندان مطلوب مادر و دختر و گفته‌ها و القائات ناخوشایند مادر به دختر در دوران خردسالی و نوجوانی و تحول شخصیت او باشد.

گاه برخی از مادران به لحاظ بعضی ویژگی‌های شخصیتی، نیازهای روانی ناشی از تجارب نه چندان رضایت‌بخش گذشته و محرومیت‌ها و ناکامی‌های حاصل از زندگی مشترک و احساس نیاز وافر به ترحم و دلسوزی در رابطه خود با دخترانشان، عموماً زانوی غم بغل کرده، با حالتی غمگین و محزون، زبان شکوه و گلایه از روزگار گشوده، قصه غصه‌های خود را بازگو می‌کنند و فرصت‌های تنهایی با دختر را مغتنم دانسته، در کنار هر صمیمیت و سخنی، ذکر مصیبتی نیز دارند. این مادرها در واقع می‌خواهند برای حیات روانی و احساسات غمبار خود حامی و دلسوز و همدردی داشته باشند و از اینکه دل دخترشان برای آنها بسوزد، خشنودند! غافل از آنکه ادامه و استمرار چنین رابطه و تعاملی که همیشه فضایی از دردمندی و غم و اندوه و ترحم و دلسوزی بر آن حاکم است، به تدریج غبار

بدبهی است که از پدران فهیم نیز انتظاری جز این نمی‌رود که در آشکارا و در خلوت، با تأیید و تکریم شخصیت مادر نزد فرزندان و اظهار تشکر و قدردانی از زحمات ارزشمند مادر، فرهنگ قدردانی و تشکر را که لازمه رشد مطلوب و متعالی شخصیت متواضع و پرصلابت است، به فرزندان خود انتقال دهند. مادرانی که به جای زبان تأیید و قدردانی از شخصیت و ویژگی‌های مثبت و تلاش‌های ارزشمند پدر، در خلوت خویش با دختر، همواره زبان تکذیب و اعتراض گشوده،

و تحول فرزند دختر خود، به سعادت، نشاط و موفقیت او در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی می‌اندیشند و همه تلاش‌ها را برای آرامش روان و پویایی اندیشه و نشاط زندگی مبذول می‌دارند.

مادران اندیشه‌مند، متعهد و مهربان نیک می‌دانند که شایسته‌ترین مشاور دختران خود در امر انتخاب همسر و ازدواج هستند، لذا به دور از تنگ‌نظری‌ها و خرده‌گیری‌های ناروا، فارغ از حسادت‌ها و چشم و همچشمی‌ها و آزاد از غلبه احساسات نه چندان خوشایند، به عنوان محرم‌راز و مشاور دلسوز و بیدار، آینده‌نگر و معاداندیش در رایزنی‌های فکری، مشاوره‌ای، رفتاری و کمک به اتخاذ تصمیم و انتخاب بایسته و شایسته مشارکت می‌کنند و در این زمینه، قابلیت‌ها و مسؤولیت‌های همسری، رسالت‌های مادری و پدری و فرزندپروری، تعهد به معیارها و ارزش‌های والای الهی، تبلور رفتارهای مذهبی و سرانجام آرامش روان و سکینه خاطر را به امید حیات پویا و متعالی، سعادت دنیوی و فلاح و رستگاری، مدنظر قرار می‌دهند و با استعانت از درگاه خداوند و جلب رضای الهی، دختران خود را راهنمایی و حمایت و پشتیبانی می‌کنند.

غم‌زدگی و افسردگی را بر چهره نیازمند نشاط دختر می‌نشانند و دلمردگی و حزن و افسردگی ماد را مضاعف می‌کند. بنابراین مادران فهیم و صبور و پرمصلابت به رغم همه دردها و رنجهای گذشته و غم و غصه‌های حاصل از محرومیت‌ها و مصیبت‌ها، با اعتقاد به نیاز دختران به شادابی و سرزندگی و نشاط و زندگی پر از امید و تلاش، همچنان صبورانه و مهربانانه، با چهره‌ای گشاده و امیدوار، نگرشی مثبت و پویا نسبت به زندگی و انگیزه‌ای قوی و غنی برای تولید و تحول، با دختران خود رابطه برقرار کرده، با آنان به گفت‌وگو می‌نشینند.

مادران بصیر و آگاه، در تمامی مراحل رشد



۱- گاهی مشاهده برخی رفتارهای به اصطلاح پسرانه و مردانه در دختران جوان، نشانی از اعتراض به همین وضع است. آنها دیگر نمی‌خواهند در بزرگسالی شخصیتی منفعل و همیشه تسلیم‌پذیر باشند.